

بررسی نقش و جایگاه شهادت در دادگاه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

دکتر خلیل الله احمدوند^۱

استادیار گروه الهیات، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشاه رازی، کرمانشاه ایران

حسن تال

چکیده

یکی از موضوعات و مفاهیم فقهی و حقوقی که در زوایای زیادی از احکام فقهی و حقوقی به چشم می خورد شهادت است. که در موارد زیادی به عنوان یک موضوع اساسی و محوری برای ثبوت یا صدور حکم، مورد توجه اسلام است. شهادت یکی از ادله اثبات دعوی در دادگاه های سراسر دنیاست، ولی حدود استفاده و درجه اعتبار آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. شهادت به عنوان یکی از دلایل محکم در اثبات حق، ادعا و یا رد آن مورد پذیرش فقها و حقوقدانان بوده است. البته شهادت در محاکم ایران در صورتی پذیرفته است که هم شاهد، واجد شرایط باشد و هم شهادت طبق ضوابط و مقررات قانونگذار باشد و هم حدنصاب و جنسیت مقرر در قانون رعایت گردد که از مجموع آنها با عنوان شرایط کمی و کیفی شهادت یاد می شود. (۲) در این مقاله به بررسی مفهوم و تعاریف شهادت، شرایط شاهد، مقررات شهادت و گواهی در دادگاه، انواع شهادت، یشینه تحقیقات انجام شده درباره شهادت و در نهایت جمع بندی و نتیجه گیری می پردازیم.

واژگان کلیدی: شهادت، دادگاه، فقه، حکم، ادله، شاهد

^۱نویسنده مسئول



مفهوم شهادت مفهوم عرفی شهادت کمی وسیع تر از معنای اصطلاحی آن در حقوق است به طوری که در مفهوم عرفی شهادت آمده است: گواهی دادن نقل حادثه‌ای است که رخ داده و شاهد آن را دیده یا شنیده یا لمس کرده یا چشیده یا بوییده است. حال آنکه در تعریف شهادت در حقوق حقوقدانان از آن به اخبار و نقل واقعی یاد کرده‌اند که پیش‌تر در حضور شاهد رخ داده و احتمال دارد درست یا نادرست باشد و حتی ممکن است اشتباه درک شاهد در آن مؤثر باشد. آنچه شاهد بر زبان می‌آورد اعلام و اظهار خود از رخدادی است که در عالم خارج اتفاق افتاده و شاهد با یکی از حس‌های خود از آن مطلع گشته است. شهادت برخلاف اقرار به نفع یا ضرر خود شاهد نیست بلکه به نفع یا ضرر یکی از طرفین دعواست حال آنکه اقرار اخبار به حقی است به ضرر خود و به نفع دیگری مع الوصف شهادت باید به نفع احدی از طرفین دعوا باشد و از طرف فردی خارج از دعوا اظهار شود؛ بنابراین شهادتی که یکی از طرفین دعوا اظهار نماید ادعا محسوب می‌شود. برابر قانون هر اعلام و اظهاری از سوی شخص ثالث اعتبار اثباتی ندارد؛ بنابراین شاهد و شهادت بایستی شرایط مقرر در قانون را دارا باشند (۱).

بخش اول: تعریف، اهمیت و ارزش شهادت

در آیات و روایات، شهادت خبری است ناشی از علم گواه، که از طریق مشاهده یا رویت قطعی دلایل است، لذا اگر شهادت مستند به حدس و ظن باشد مورد پذیرش نیست. حقوقدانان شهادت را اینگونه تعریف کرده‌اند: اطلاع به وقوع امری که با حواس قابل درک است و غیر از موردی که اطلاع در مورد حقی به ضرر خود و نفع دیگری است، باید در زمان گذشته وجود پیدا کرده و یا در زمان ادای شهادت وجود داشته باشد.

قانون مجازات اسلامی ۹۲ برای نخستین بار به تعریف شهادت پرداخته و گفته:

شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضائی است. (۲)



پس شهادت عبارت است از اظهارات اشخاص خارج از دعوی که امر مورد اختلاف را دیده یا شنیده یا شخصاً از آن آگاه شده‌اند یعنی شخصی به نفع یکی از اصحاب دعوی و بر ضرر دیگری اعلام اطلاع و خبر از وقوع امری نماید، اگر وسیله آگاهی گواه قوه بینایی او باشد گواه را شاهد عینی و گواهی او را «مشاهده» نامند و اگر وسیله آگاهی قوه سامعه باشد گواه را شاهد سمعی و گواهی او را «اسماع» خوانند. در تمامی ادوار و هم‌چنین در همه سیستم‌های حقوقی شهادت شهود به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی همواره مورد استفاده طرفین دعوی اثبات ادعاهای آنان بوده است لیکن حدود استفاده و درجه اعتبار آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. اهمیت دلیل مذکور در دوران گذشته به دلیل صداقت انسان‌های آن ادوار از یک سو و فقدان دستاوردهای عملی و تکنیکی از سویی دیگر بسیار بیشتر از دوران فعلی بوده است. در ایران باستان به خاطر اهمیتی که برای گفتار افراد قائل بودند شهادت برادر له برادر دیگر و شهادت زن برای شوهر بدون در نظر گرفتن درجه قرابت و خویشاوندی مورد استماع قرار می‌گرفت. تکلیف اخلاقی و اجتماعی آحاد افراد جامعه در مقابل دستگاه عدالت ایجاب می‌نماید که افراد در مواقع مختلفی اقدام به اداء شهادت نموده و در صورت استدعای طرفین دعوی و نیاز دستگاه قضایی در مراجع قضایی قانونی حضور یافته و فرشته عدالت را در جهت آشکار نمودن چهره حق یاری و مساعدت نماید. در اجتماعاتی که افراد به اصول اخلاقی و مذهبی پای بند نباشند استفاده از شهادت می‌تواند اثرات سویی ببار آورد و باعث تضییع حقوق افراد شود بالعکس در جوامعی که افراد مقید به راستگویی هستند و ادای شهادت را تکلیف خود می‌شناسند می‌تواند در احیاء حقوق مؤثر واقع شود؛ از طرف دیگر گواه حتی وقتی که کمال صداقت را داشته باشد باز هم کمتر پیش می‌آید گواهی او خالی از اشتباه و اشکال باشد زیرا ممکن است از حقیقت اموری که بیان آن را از او درخواست می‌کنند کاملاً آگاهی نداشته و واقعه را به درستی ندیده یا نشنیده باشد یا نتوانسته همه را به خوبی در حافظه خود نگهدارد به همین خاطر قانون‌گذار شرایط سنگینی برای استماع گواهی معین کرده است (مواد ۱۳۱۳ق.م و ۱۵۵ آ.د.ک) از جمله آن که ادای شهادت باید از روی قطع و یقین بوده و مفاد آن در معنا توافق داشته باشد و همچنین مطابق با دعوی باشد. تعداد شهود در حقوق اسلام





موضوعیت داشته و صرف نظر از شرایط فردی که شهود باید از جهت اداء داشته باشند هر یک از موضوعات مذکور در محاکمه با نصاب خاصی از شهود قابل استماع و اثبات است ولی در حقوق ایران صرف نظر از موارد خاص، مورد شهادت عددی نبوده بلکه وزنی است به عبارت بهتر اصولاً ارزش گواهی به عدّه شهود بستگی ندارد بلکه به کیفیت ادای گواهی آنها ارتباط دارد. (۳) همچنین در مورد ارزش شهادت می توان بیان نمود: شهادت در محاکم، مورد قبول همه رژیم‌های حقوقی است و تفاوت سیستم‌های مختلف در مورد تشخیص ارزش شهادت و درجه اعتبار آن می‌باشد. در باب معیار و ملاک سنجش ارزش شهادت در میان سیستم‌های حقوقی دنیا دو نظریه عمده وجود دارد. به موجب یک نظریه، شهادت شهود در اثبات دعاوی مدنی موضوعیت دارد و پس از انجام تشریفات ادای شهادت، و استماع شهادت شهود، قاضی محکمه ملزم به صدور رأی بر مبنای مفاد و اقتضای شهادت است و براساس آن رأی صادر می کند. اما نظریه دیگری میگوید شهادت، وسیله‌ای جهت اثبات دعاوی است و در مسیر رسیدن به حقیقت قضیه، جنبه طریقت دارد. لذا قاضی الزامی به صدور رأی بر اساس شهادت شهود ندارد و می تواند چنانچه آن را موافق با علم و اطمینان خود بیابد براساس آن انشای رأی نماید و اگر از نظر او، شهادت شهود مقرون به صحت نباشد، از ترتیب اثر دادن به آن امتناع نماید. حقوق ایران نظریه دوم را پذیرفته و معتقد به طریقت داشتن شهادت شهود است. به موجب ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ تشخیص ارزش و تأثیر گواهی به نظر دادگاه محول شده است. همچنین در مقام تأیید این نظر، ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی در امور کیفری نیز مقرر نموده است چنانچه دادگاه شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد شهادت آنان را می پذیرد و الا رد می کند. (۳)

بخش دوم: شرایط شاهد

ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸، به ذکر شرایط شاهد اختصاص داشت اما قانونگذار در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، به ذکر شرایط شاهد اشاره‌ای نکرده است. به همین دلیل به نظر

می‌رسد که این ماده قانونی نسخ شده است. با این حال در خصوص شرایط شاهد، می‌توان به این ماده توجه کرد. بر اساس ماده ۱۵۵ قانون سابق، در مواردی که قاضی به شهادت شاهد به عنوان دلیل شرعی استناد می‌کند، لازم است شاهد دارای شرایطی از قبیل بلوغ، عقل، ایمان، طهارت مولد، عدالت، عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از وی، عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوا و عدم اشتغال به تکدی و ولگردی باشد. بر اساس تبصره‌های این ماده، در مورد عداوت دنیوی، چنانچه شهادت شاهد به نفع طرف باشد، پذیرفته می‌شود. همچنین در حقوق الناس شهادت در صورتی پذیرفته خواهد بود که به دستور دادگاه صورت گیرد. کسی که سابقه فسق یا اشتهار به فساد دارد نیز چنانچه به منظور ادای شهادت توبه کند تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی شهادتش پذیرفته نمی‌شود. (۴)

بخش سوم: حد نصاب در شهادت و نقش شهادت در دادرسی

نصاب شهادت در کلیه جرائم، دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفریح و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می‌گردد. برای اثبات زنا، موجب حد جلد، تراشیدن و یا تبعید، شهادت دو مرد و چهار زن عادل نیز کافی است.

زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند تنها حد شلاق، ثابت می‌شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است. (۴) در حال حاضر در قوانین کشورها موضوع شهادت شهود قسمتی از مواد قانونی را به خود اختصاص داده است. احضار گواه یا شاهد در دعاوی کیفری بر حسب درخواست شاکی یا متهم و به تشخیص قاضی انجام می‌شود.

اما فردی که به عنوان شاهد برای بیان شهادت از وقوع رخدادی در دادگاه حاضر می‌شود باید دارای شرایط و ویژگی‌هایی باشد که در قانون به آن اشاره شده است.



براساس ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی «هر فردی که مدعی حقی باشد، باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج دلیل باشد اثبات امر به عهده اوست.

طبق این ماده قانونی هر فردی که ادعایی دارد باید آن را ثابت کند. در بعضی از دعاوی امکان دارد خوانده مدعی امری شود که برای آن به دادگاه باید دلیل ارائه کند و براساس ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی شهادت (گواه) یکی از ادله اثبات دعوی است. گواهی یا شهادت در معنای اعم به مفهوم ارائه اخبار فردی نزد مراجع قضایی از دیده ها، شنیده ها یا سایر آگاهی هایی است که به طور اتفاقی دیده یا به خواست دوطرف دعوی به دست آورده باشد. (۵)

بخش چهارم: مبانی شهادت در فقه اسلامی

در برخی از کتب فقهی اصطلاح **بینه** نوعاً به جای اصطلاح شهادت استعمال گردیده است و **بینه** را مطابق با شهادت شهود تلقی نموده و علت این امر آن بوده است که در اغلب موارد از شهادت شهود به عنوان **بینه** دعوی استفاده می شده است. یکی از نویسندگان حقوقی (۳) **بینه** را این گونه تعریف نموده است: از نظر فقهی اصطلاح **بینه** به معنی تعدادی شهود که قانوناً شهادت و گواهی آنان می تواند یک قضیه حقوقی اعم از جزایی یا مدنی را اثبات نماید تعریف شده است اصطلاح **بینه** دارای دو جنبه و معنی است:

- عام

- خاص.

بینه به مفهوم «عام» به معنی هر چیزی است که مجهولی را ثابت نماید و آن را روشن و عیان سازد و بر این اساس **بینه** شامل هر نوع دلیلی که برای قاضی علم و قطع را فراهم آورد می گردد. (عبارت معروف **البینه علی المدعی...**) ناظر بر همین معنی است. مانند سند و اماره قضایی و به تعبیر دیگر **بینه** به مفهوم عام عبارت است از هر چه که روشنگر واقعیت باشد به عنوان مثال آثار ضربات چاقو و جراحات وارده بر بدن که منتهی به فوت شده است نوعی **بینه** است و چنانچه متهم در بازجویی های پرونده اقرار کند که با مقتول گلاویز شده است تلفیق



این اقرار و گواهی پزشک قانونی مشعر بر کیفیت ضربات وارد شده و موجبات فراهم آمدن یک بی‌نیه قوی و مستحکم را برای قاضی به وجود می‌آورد که می‌تواند براساس آن حکم به قصاص متهم پرونده بدهد. بی‌نیه مفهوم «خاص» آن همان شهادت شهود با نصاب معینه شرعی در محضر دادگاه است. در فقه اسلامی شهادت شهود دارای اهمیت خاصی است و تمامی دعاوی با شهادت قابل اثبات است و در این خصوص هیچ محدودیتی وجود ندارد. توضیح آن که چنانچه شهود با شروط معین شرعی مانند تعداد شهود، عدالت شهود و غیره مبادرت به ادای شهادت نمایند قاضی مکلف به صدور رأی بر اساس آن می‌باشد به عنوان مثال در شرب خمر که دو نفر شاهد مرد برای اثبات آن کافی است اگر دو نفر شاهد مرد علیه کسی که شرب خمر کرده شهادت بدهند و دارای اوصاف و شرایط خاص مربوط به شاهد نیز باشند، جرم انتسابی یعنی شرب خمر احراز گردیده و قاضی مکلف به صدور حکم و اجرای حد خواهد بود. به لحاظ اهمیت شهادت از دیدگاه اسلام، قرآن کریم تأکید ویژه‌ای در خصوص رجوع به تحمل شهادت و همچنین ادای شهادت نموده است مثلاً در آیه شریفه ۲۸۲ سوره بقره می‌فرماید: «به شهادت بطلبید دو شاهد مرد را و نشاید شاهدان را چنانچه از آنان خواسته شود، از ادای شهادت امتناع کنند.» (۲)

بخش پنجم: بررسی مقررات شهادت و گواهی در دادگاه

شهادت در محاکم دادگستری، از جمله اموری است که کم و بیش مورد توجه افرادی که دچار مشکلات حقوقی و کیفری می‌شوند، قرار می‌گیرد و در دعاوی مختلف نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در حقیقت در پرونده‌های مختلف مراجعه‌کنندگان به محاکم دادگستری امکان اثبات ادعا با شهادت شهود وجود دارد و اهمیت این موضوع نیز بر هیچ کسی پوشیده نیست. شهادت شهود، یکی از دلایل اثبات خواسته یا دعوی در دادگاه‌ها محسوب می‌شود و عبارت است از اطلاعات یک فرد خارج از دعوی که موضوع مورد ادعا را دیده یا شنیده باشد یا اگر مورد، از موارد دیدنی و شنیدنی نباشد، از آن آگاه شده است. به عبارت دیگر، شهادت دادن به این معنا است که شخص از واقعه‌ای جزئی یا کلی که بین ۲ یا چند نفر صورت گرفته



است، در دادگاه یا نزد مراجع قضایی یا قانونی خبر دهد یا اطلاع‌رسانی کند. در قوانین کشورهای مختلف، موضوع شهادت قسمتی از مواد قانونی را به خود اختصاص داده است. احضار گواه یا شاهد در دعاوی کیفری بر حسب درخواست شاکی یا متهم و به تشخیص قاضی انجام می‌شود همچنین فردی که به عنوان شاهد برای بیان وقوع رخدادی در دادگاه حاضر می‌شود باید دارای شرایط و ویژگی‌هایی باشد. هر فردی که مدعی حقی است، باید آن را اثبات کند و هر گاه مدعی علیه (خواننده) در مقام دفاع از خود، مدعی امری شود که محتاج دلیل باشد، اثبات امر به عهده او است. (ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی) و بر این اساس، باید اثبات ادعای خود، باید به دادگاه، دلیل ارایه کند. یکی از ادله اثبات دعوی، بر اساس ماده ۱۲۵۸ شهادت است. بر اساس این ماده قانونی، دلایل اثبات دعوی شامل اقرار، اسناد کتبی، شهادت، امارات و قسم است. در حقیقت، شهادت خبری است که به نفع یا به ضرر خبردهنده نیست بلکه به نفع و ضرر دیگران است و از این بابت با ادعا و اقرار تفاوت‌هایی دارد. (۶)

بخش ششم: اختیار قاضی در پذیرش شهادت

قاضی یا دادرس مختار است شهادت را بپذیرد یا رد کند. زیرا ممکن است قاضی احراز کند که شهادت واجد شرایط قانونی مورد نظر نیست. مطابق ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی، بلوغ، عقل، عدالت، ایمان و طهارت از شرایط شاهد است و اظهارات مجنون و افرادی که به سن بلوغ یعنی ۱۵ سال تمام نرسیده‌اند، قابل اعتماد نیست. در تمامی تاسیسات حقوقی، وجود قصد انشاء، اختیار و اهلیت ضروری است و در صورت نبود یا مفقود بودن هر یک از این شرایط، تاسیس حقوقی مورد نظر بلا اثر خواهد بود. (۷) اگر شهادت در شرایط اکراهی انجام شده باشد، معتبر نیست، در حقیقت اگر قصد انشاء، اختیار و اهلیت وجود نداشته باشد، شهادت نیز مانند سایر تاسیسات حقوقی به عنوان یکی از ادله مثبته دعوی قابل قبول نخواهد بود؛ در چنین شرایطی شهادت صورت گرفته ممکن است برای قاضی ایجاد علم کند اما به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی موثر نخواهد بود. کسی که اقدام به شهادت کذب کند، دارای مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. به این معنا که اگر کذب بودن شهادت او اثبات شد، نه تنها باید خسارات



وارده به دلیل این نوع شهادت خود را پردازد و جبران کند بلکه از لحاظ کیفی نیز دارای مسئولیت خواهد بود. قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲، شهادت کذب را به طور جدی مورد بررسی و توجه قرار داده است. در ماده ۲۵۵ این قانون در خصوص اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علتی بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، اینگونه آمده است که آنها می‌توانند خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند. همچنین قانونگذار در ماده ۲۵۹ این قانون، اینگونه مقرر کرده است که جبران خسارت موضوع ماده ۲۵۵ بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، «شهادت کذب» یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند. (۷)

بخش هفتم: اعتبار گواهی بر شهادت

طبق قانون، گواهی بر گواهی معتبر است، در صورتی که گواهی به شهادت فرد قابل اعتمادی باشد که به دلایلی نتوانسته است در دادگاه حاضر شود. بر اساس ماده ۲۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی «در تمام دعاوی که جنبه حق‌الناسی دارد، اعم از امور جزایی یا مدنی به علت غیبت، بیماری، سفر، حبس و ... که حضور گواه اصلی متعذر یا متعسر باشد، گواهی به شهادت گواه اصلی قابل استماع است.» شهادت باید به طور قطعی و یقینی باشد و بر اساس ماده ۱۳۱۵ قانون مدنی «شهادت باید از روی قطع و یقین باشد؛ نه به طور شک و تردید» این موضوع به آن معنا است که شاهد آنچه را در دادگاه می‌گوید باید دیده، شنیده یا حس کرده باشد. سن شاهد باید ۱۵ سال تمام شمسی باشد، شهادت افراد مجنون معتبر نیست اما افرادی که به جنون ادواری مبتلا هستند اگر در زمان سلامتی شهادت بر امری بدهند معتبر است همچنین شهادت فردی که بر اثر کهنسالی یا بیماری دچار فراموشی شده باشد، پذیرفته نیست. در حقیقت، یکی از شرایط اصلی که شاهد باید داشته باشد، رسیدن او به سن بلوغ و عقل است. این شرط از آن جهت دارای اهمیت بسیار است که ضامن درک صحیح فرد از گواهی (شهادت) بر امری است. بر اساس ماده ۱۳۱۴ قانون مدنی «شهادت اطفالی را که به سن ۱۵ سال



تمام نرسیده‌اند تنها ممکن است برای مزید اطلاع استماع کرد؛ مگر در مواردی که قانون شهادت این اطفال را معتبر شناخته باشد. شهادت شهود باید مطابق دعوی باشد. بر اساس ماده ۱۳۱۶ قانون مدنی «شهادت باید مطابق با دعوی باشد اما اگر در لفظ مخالف و در معنی موافق یا کمتر از ادعا باشد، ضرری ندارد.» همچنین شهادت با آنچه مدعی در دادگاه اظهار می‌کند، باید مطابقت داشته باشد. بر اساس ماده ۱۳۱۷ قانون مدنی، «شهادت شهود باید در مفاد آن متحد باشد، اگر شهود به اختلاف شهادت دهند قابل اثر نخواهد بود مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متقینی به دست آید.» در دعاوی که تعداد شهود زیاد است باید میان مفاد شهادت شهود اتحاد باشد و در صورتی شهادت شهود معتبر است که همه به یک واقعه رخ داده شهادت دهند. همچنین موضوع دیگری که در موضوع شهادت باید مورد توجه قرار گیرد، این است که معتبر بودن شهادت، مستلزم حضور شاهد در دادگاه است و شهادت‌نامه کتبی نمی‌تواند جایگزین آن شود. (۸)

بخش هشتم: انواع شهادت در دادگاه

شهادت به جهات گوناگون تقسیم بندی‌های مختلفی دارد؛ اما ما در این مجال بر آنیم شهادت را در دو تقسیم‌بندی شهادت کتبی یا شفاهی و مستقیم یا غیر مستقیم مورد بررسی قرار دهیم.

بند اول: شهادت کتبی یا شفاهی

اگرچه ماهیت شهادت در اعتبار آن تأثیری ندارد؛ اما از یک دیدگاه، شهادت را به شهادت کتبی و شفاهی تقسیم نموده‌اند.

الف) شهادت کتبی: شهادتی است که اظهار و اعلام شاهد در نوشته‌ای تحریر و به امضای برسد که مرسوم است به چنین شهادت‌نامه‌ای استشهادیه عنوان می‌شود و معمولاً در مواردی که دلیل ادعا، شهادت شهود است جزء پیوست‌های دادخواست به دادگاه تقدیم می‌شود؛ اگر چه برابر ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی شهادت کتبی سند محسوب نمی‌شود؛ اما اعتبار شهادت را

دارد. به طور کلی شهادت کتبی معمولاً مقدمه شهادت شفاهی است که در محضر دادگاه انجام می‌شود

ب) شهادت شفاهی: شهادتی است که شاهد در آن گواهی و اظهار خود را در محضر دادگاه اعلام می‌نماید مرسوم است بعد از جلسه اول دادرسی در دعاوی که شهادت جزء ادله اثباتی می‌باشد دادگاه قرار استماع شهادت شهود را صادر و شهود برای اظهار شهادت شفاهی در دادگاه حاضر می‌شوند.

بند دوم: شهادت مستقیم یا غیر مستقیم

معمولاً شهادت بایستی اظهارات ادراکیه شخص شاهد باشد؛ به عبارتی دیگر شاهد بایستی شخصاً مورد شهادت را با یکی از حس‌های شش‌گانه درک کرده باشد به این نوع شهادت، شهادت مستقیم گفته می‌شود؛ برابر ماده ۱۳۲۰ قانون مدنی قانون‌گذار در شرایطی خاص به شاهد اجازه داده است که دیده یا شنیده دیگران را نیز بیان نماید که به چنین شهادتی شهادت غیرمستقیم نیز گفته می‌شود؛ اما شهادت غیرمستقیم همیشه قابل قبول نیست؛ بنابراین قانون‌گذار در ماده یاد شده از آن تحت عنوان «شهادت بر شهادت» یاد می‌کند و چنین شهادتی را مشروط کرده است بر اینکه شاهد اصلی فوت کرده باشد یا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره امکان حضور در محضر دادگاه را نداشته باشد؛ بنابراین در موارد مذکور در قانون، شهادت غیرمستقیم نیز مشروط به احراز سایر شرایط، معتبر و مسموع است. (۵)

بخش نهم: پیشینه تحقیق

حسن زاده (۱۳۹۵) در مقاله ای به بررسی فقهی - حقوقی اثر رجوع شاهد از شهادت در دعاوی مدنی پرداخت. ماده ۱۳۱۹ قانون مدنی در بیانی مطلق، رجوع شاهد از شهادت را سبب ترتیب اثر ندادن به شهادت، معرفی کرده است و از توضیح بیشتر درباره آثار چنین رجوعی، خودداری کرده است. در فقه، فقها در تبیین آثار رجوع شاهد از شهادت، نسبت به اعتبار شهادت و حکم صادرشده براساس آن و مسئولیت شاهد رجوع‌کننده، اهتمام ورزیده‌اند و حالت‌های گوناگون را مورد توجه قرار داده‌اند. در شرایط اجمال و سکوت قانون درباره





موضوع مورد بحث، راه حل‌های مطرح شده در فقه به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، در حقوق قابل اجراست. (۹) غلامپور و تدین (۱۳۹۴) در مقاله ای به بررسی جلب شاهد از منظر حقوق ایران و اسناد بین المللی، از هستها تا بایدها پرداختند. بر اساس اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و هر سوگندی، فاقد ارزش و اعتبار است. «از طرفی ماده ۱۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر میدارد...». هر یک از شهود تحقیق و مطلعین باید در موعد مقرر حاضر شوند، در صورت عدم حضور برای بار دوم احضار از جمع این دو... میگردند، چنانچه بدون عذر موجه حضور نیابند به دستور دادگاه جلب خواهند شد مقرر قانونی که در طول یکدیگرند، نخستین سؤالی که به ذهن میرسد فلسفه و چرایی این موضوع است. یعنی پاسخ به این سؤال که جلب شهادی که قانون اساسی اجبار او به ادای شهادت را عملی قابل مجازات میداند، بر چه مبنایی استوار شده است؟ مبنای حقوقی جلب شاهد را میتوان در پرتو لزوم پابندی به دستور مرجع قضایی، اجرای عدالت یا مصلحت اجتماعی دنبال نمود و بر اساس ادله فقهی به کنکاش در چرایی موضوع پرداخت. از منظر اسناد بینالمللی نیز، با توجه به نقش شهود در کشف حقیقت و تأکید بر حمایت و رعایت حقوق آنان وضعیت احضار و جلب شاهد قابل بررسی است. این مقاله در پی آن است تا وضعیت حقوقی شاهد را در نظام حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی، در مصاف با دستور جلب مورد بررسی و نقد قرار دهد. (۱۰)

- کاظمی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله ای به بررسی آیین استماع شهادت پرداختند. با توجه به مفهوم خاص شهادت که عبارت است از گواهی گواهان و مطلعین بدون در نظر داشتن سایر ادله، شهادت نیز همچون سایر ادله، دو دسته مقررات دارد؛ یک دسته مقررات ماهوی است که بیشتر به شرایط شهادت و شاهد مربوط می شود، دسته دیگر مقررات شکلی می باشد که آیین استماع شهادت را بیان می کند که اماره درستی آن در جریان استماع خبری که گواه نقل می کند، شکل می گیرد. تحقیق و بازجویی از شهود، یک امر فنی و دارای آیینی تحت

عناوینی؛ مانند الزام شهود به دادگاه و ادای شهادت در دادگاه، چگونگی طرح جرح و تعدیل و ارزیابی مفاد شهادت، سوگند شهود و غیره است. تلاش نویسنده آن بوده که با مطالعه این مقاله، خواننده با آیین استماع شهادت و نحوه ارزیابی مفاد آن توسط دادرس، ضمن مطالعه تطبیقی فقه و حقوق آشنا گردد. (۱۱)

سید زاده و قائمی (۱۳۹۲) در مقاله ای به بررسی مطالعه تطبیقی شهادت غیر حضوری در آئین دادرسی کیفری ایران و دادگاه بین‌المللی کیفری با تأکید بر پرونده ویلیام روتو پرداختند. شهادت غیر حضوری عنوانی کلی و شامل روش‌هایی است که دادگاه به شهادتی که در خارج از دادگاه ضبط شده است به‌عنوان دلیل اثبات جرم اعتبار می‌دهد. حقوق کیفری ایران به مشروعیت برخی از مصادیق شهادت غیر حضوری تصریح کرده است. در پرونده «ویلیام روتو»، معاون رئیس‌جمهوری کنیا، در پیوند با خشونت‌هایی که پس از انتخابات سال ۲۰۰۷م در این کشور رخ داد، دادستان شهودی را به‌عنوان دلیل معرفی کرد که حاضر به ادای شهادت در دادگاه نشدند. تلاش‌های زیاد دادستان در این مورد نتیجه نداد و در نهایت دادگاه رأی خود را مبنی بر عدم پذیرش شهادت از قبل ضبط شده صادر کرد. با اینکه در رویه قضایی و اسناد بین‌المللی برخی از مصادیق شهادت غیر حضوری به‌صراحت مورد پذیرش قرار گرفته است، اما اعتبار حقوقی آن به‌عنوان دلیل همچنان مورد تردید قرار دارد. از جانب دیگر در راستای حمایت از حقوق متهم مواردی در قوانین کیفری ایران و اسناد بین‌المللی و اساسنامه دیوان دیده می‌شود که در تناقض با پذیرش شهادت غیر حضوری است. برخی اما روش‌هایی را به‌عنوان بدیل روش شهادت غیر حضوری مطرح کرده‌اند، از قبیل روش ادای شهادت در حضور شخص و یا نهاد بی‌طرف و روش اعطای نیابت قضایی. نگارندگان پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق تحلیلی- توصیفی و با بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای شهادت غیر حضوری و مصادیق آن را در آئین دادرسی کیفری ایران و اسناد بین‌المللی و رویه قضایی بین‌المللی مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین تبیین شده است که شهادت غیر حضوری چگونه و کدام حقوق متهم را نقض می‌کند و برای اینکه بتوان هم از روش شهادت غیر حضوری در



جهت اثبات جرم استفاده کرد و هم حقوق متهم را رعایت نمود، چه راهکارهایی وجود دارد. (۱۲).

نتیجه گیری

«شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوا به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است.» همچنین مطابق ماده ۱۵۷ قانون فوق‌الذکر «شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است، اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد.» البته بر اساس ماده ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی «در صورتی که شاهد واجد شرایط شرعی نباشد، اظهارات او استماع می‌شود. تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضایی با دادگاه است.»

یکی از مهم‌ترین دلایل اثبات دعوا شهادت یا به اصطلاح «شهادت شهود» یا «گواهی گواهان» است. غالباً در رسیدگی به دعوا و دلایل آن و بعد از صدور حکم، قاضی دچار یک نگرانی است و احتمال می‌دهد که در نتیجه انجام تکالیف از جانب او، حقی پنهان مانده باشد؛ ولی در حکمی که مستند آن «شهادت شهود» یا «اقرار مرتکب» باشد، گویا اصحاب دعوا و قاضی متفقاً به یک نقطه رسیده‌اند. به همین دلیل «شهادت» و «اقرار» از آغاز تمدن بشر نزد همه ملت‌ها و جوامع از جمله جوامع اسلامی مورد توجه بوده‌اند.

در اسلام اثبات برخی موضوعات و احکام، دارای اهمیت بسیاری است؛ زیرا این گروه از موضوعات احکام نسبت به دیگر موضوعات و احکام، دارای الزام عملی و یا التزام قلبی است و برای ثبوت و اثبات آنها از نظر عقل و شرع، راه‌های معتبری وجود داشته و یا قرار داده شده است، اعتبار همه راه‌های اثبات، وابسته به این است که به یک راه معتبر ذاتی؛ یعنی علم و یقین بیانجامد؛ یعنی هر یک از آنها یا خودش علم و یقین باشد و یا اعتبار آن با علم و یقین ثابت شود که در صورت اول «علم» و در صورت دوم «علمی» نامیده می‌شود. با توضیح داده شده بدون تردید، نقش شاهد در کشف حقیقت در بعضی از دعاوی، بسیار مهم است و در این گونه موارد، قاضی خود را نیازمند تحقیقات از شاهد می‌بیند و به این نتیجه می‌رسد که باید از



شاهد درخواست نماید در دادگاه برای ادای شهادت حضور یابد که به این فرایند، احضار شاهد اطلاق می‌گردد. در این صورت قاضی می‌تواند حتی در مواردی که تعداد شهود به حد نصاب قانونی نرسیده باشد، یا شهود واجد شرایط ادای شهادت نباشند، بدون یاد کردن سوگند، اظهارات آنها را برای مزید اطلاع استماع کند و در صورتی که مجموع این گونه قراین موجبات اقناع او را فراهم آورده باشد، می‌تواند به استناد آن علم به صدور حکم مبادرت ورزد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. امامی، سیدحسن؛ (۱۳۹۰). حقوق مدنی؛ ج ۶، چ ۵، تهران: انتشارات ابوریحان، نشر بی تا
۲. سجادی نژاد، سید احمد. (۱۳۹۱). ادای شهادت در فقه و حقوق. آموزه های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶.
۳. اعتبار شهادت شهود در رویه دادگاه. ۱۳۹۶. چاپ اول. گروه پژوهشی انتشارات چراغ دانش. نشر چراغ دانش
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ (۱۳۸۰). دانشنامه حقوقی؛ ج ۵، چ ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر،
۵. آیین دادرسی مدنی (پیشرفته)؛ (۱۳۸۸). ج ۳، چ ۳، تهران: انتشارات دراک،
۶. صدرزاده افشار، سیدمحسن؛ (۱۳۸۵). ادله اثبات دعوی در حقوق ایران؛ چ ۴، [بی جا]: مرکز نشر دانشگاهی،.
۷. فیض کاشانی، محمدمحسن؛ مفاتیح الشرائع؛ ج ۳، قم: مجمع الذخائر الإسلامیه، ۱۴۰۱ق.
۸. مدنی، سیدجلال الدین؛ (۱۳۸۴). ادله اثبات دعوا؛ چ ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش،
۹. حسن زاده، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی فقهی - حقوقی اثر رجوع شاهد از شهادت در دعاوی مدنی. دانشیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه قم
۱۰. غلامپور، مهدی. تدین، عباس. (۱۳۹۴) بررسی جلب شاهد از منظر حقوق ایران و اسناد بین المللی، از هستها تا بایدها. پژوهشنامه حقوق کیفری. شماره ۴.
۱۱. سید زاده، مهدی. قائمی، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی مطالعه تطبیقی شهادت غیرحضوری در آیین دادرسی کیفری ایران و دادگاه بین المللی کیفری با تأکید بر پرونده ویلیام روتو. مجله حقوق جزا و جرم شناسی. شماره ۱۰.

